

بیت‌الاحزاب

۱۵۹۸۵۵۷

راهبرد کسب‌گری نسل سوم انقلاب

بیت‌الاحزاب  
فصلنامه علمی و پژوهشی  
www.BORHAN.ir

عنوان و نام پدید آور : راهبرد کنشگری نسل سوم انقلاب / نویسنده اندیشکده برهان.  
 مشخصات نشر : تهران: دیدمان، ۱۳۹۶.  
 مشخصات ظاهری : ۷۸ ص.  
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۳۴-۳۳-۸  
 وضعیت فهرست نویسی : فیا  
 موضوع : جوانان مسلمان -- ایران  
 Muslim youth -- Iran  
 موضوع : جامعه‌شناسی اسلامی -- ایران  
 Islamic sociology -- Iran  
 موضوع : سیاست فرهنگی -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴  
 20th century -- Cultural policy -- Iran -- History  
 موضوع : اندیشکده برهان  
 تاریخ افزودن : ۱۳۹۶ / ۲ / ۲۳  
 BP۲۳۰ / ۲  
 رده بندی : ۲۹۷/۴۸۳  
 شماره کتبشناسی ملی : ۵۰۳۲۱۴۷



www.BORHAN.ir

انتشارات دیدمان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۳۴-۳۳-۸  
 عنوان: راهبرد کنشگری نسل سوم انقلاب  
 نویسنده: اندیشکده برهان  
 نشر: دیدمان  
 تاریخ انتشار: ۱۳۹۶  
 نوبت چاپ: اول  
 شمارگان: ۱۰۰۰  
 قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

www.BORHAN.ir  
 info@borhan.ir

تهران، چهارراه شهید لوسانی، خیابان بوستان،  
 کوچه نسترن، پلاک ۳۲، واحد ۴

تلفن: ۲۶۱۵۳۲۹۱  
 پیامک: ۱۰۰۰۰۲۸۷

کلیه حقوق این اثر متعلق به «اندیشکده برهان» است و هرگونه نقل مطالب از آن صرفاً با ذکر منبع مجاز است.



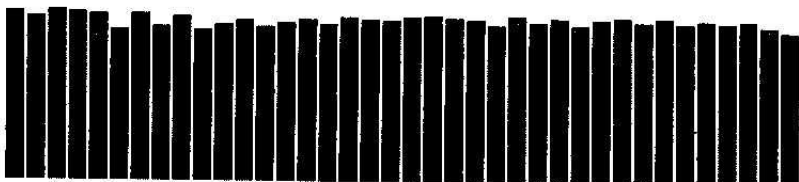
جامعه کنونی ما مرکب از چهار نسل است: نسل اول که در دهه پنجاه شمسی، با تکیه بر مبارزات و مجاهدت اساسی خویش، انقلاب اسلامی را رقم زدند؛ نسل دوم انقلاب که در دوره پس از انقلاب و دهه شصت، نقش اصلی را در دفاع مقدس ایفا کردند و یک واقعه استثنایی را در تاریخ و فرهنگ خود پدید آوردند؛ نسل سوم که درک مستقیم و بی واسطه‌ای از هیچ‌یک از دو رویداد انقلاب اسلامی و دفاع مقدس ندارند و فرزندانی نسل دوم انقلاب به شمار می‌آیند، اما یک دهه است که در عرصه‌ها و مساحت‌های گوناگون جامعه، حضور فاعلیت‌گونه یافته‌اند؛ نسل چهارم نیز فرزندان نسل سوم‌اند. سخن نگارنده در این مقاله، درباره «نسل سوم انقلاب اسلامی» است؛ نسل که در پی کنشگری فرهنگی یا سیاسی است اما «راهبرده» روشن و مدون و «یک‌پای» طراحی نکرده است. راهبرد - که عبارت است از یک برنامه کلان‌آواندمدت<sup>۲</sup>

---

1- . Strategy.

2- . Macro.

3- . Long-term.



که غایات و چگونگی کنشگری ما را معین می‌سازد<sup>۱</sup> - نقطه‌ای است که نسل سوم تا حد زیادی از پرداختن دقیق و موشکافانه به آن غفلت ورزیده و به همین سبب، با کاستی‌ها و ضعف‌هایی دست به گریبان شده است. نگارنده در این مقاله تلاش می‌کند تا طراحی استراتژیک برای کیفیت کنشگری نسل سوم انقلاب در افکند و آن را به مثابه یک نهاد تئوریک و مکتوب، در اختیار آنها نهد. در بخش اول این مقاله، الگوی راهبردی کنشگری معرفتی (تئوریک) نسل سوم انقلاب بیان شده که بجز این می‌کند نسل سوم انقلاب می‌باید به صورت جدی و عمیق به بررسی نظری و نظریه‌پردازی پانهاد و بنیان‌های فکری و اعتقادی خود را امداد مستحکم و مستدل سازند. قواعد طراحی شده برای این قلمرو عبارتند از: برگزیدن یک قلمرو معرفتی، نگارش برنامه پژوهشی راهبردی، ساز و پرداختی دینی برآمده از مکتب اسلام، ضرورت‌مندی برخورداری از مطالعات اسلامی، رجوع به میراث معرفتی سلف صالح، نخبه‌پروری و چهره‌سازی رسانه‌ای، تلاش متراکم و جهشی، مواجهه‌گزینش‌گرایانه با علم‌انسان‌گرایی، تمرکز بر تولید متن، مطالعه نظام‌یافته گفتارهای رهبران انقلاب و طراحی سامانه تئوریک و منظومه معرفتی. در بخش دوم نیز، الگوی راهبردی کنشگری اجتماعی (پراتیک) نسل سوم انقلاب سنجیده می‌مان آمده و گفته شده که نسل سوم انقلاب باید به عرصه عمومی وارد شود و بر اساس تئوری‌های ساخته و پرداخته شده، عمل‌پردازی و کنشگری نماید. برای این قلمرو نیز قواعدی تعیین و معرفی شده که عبارتند از:

۱- نگارنده، تقسیم‌بندی زیر را در نظر گرفته است:

یکم. «نظریه/تئوری» مشتمل بر سه سطح است: نظریه بنیادی/زیرساختی/بهداننه، نظریه توسعه‌ای/میان‌دامنه و نظریه کاربردی/عملی/تنگ‌دامنه؛

دوم. «راهبرد/سیاست/خط‌مشی» مشتمل بر سه سطح است: راهبرد کوتاه‌مدت (پنج ساله)، راهبرد میان‌مدت (آهست ساله)، راهبرد بلندمدت (پنجاه ساله)؛

سوم. «برنامه» مشتمل بر دو سطح است: برنامه خرد و برنامه کلان.

اجتماعی سازی گفتمان معرفتی، استقلال از ساختارها و نهادهای رسمی، راه اندازی جریان نقادی شفاف و قوی، جایگزینی کارگزاران حکومتی فاصله گرفته با خط اصیل انقلاب، بی ثبات سازی گفتمان های معرفتی رقیب و معارض و متابعت از روحانیت اصیل و به ویژه ولی فقیه. پیش از ورود به بحث اصلی، بیان چند نکته بنیادی، ضروری به نظر می رسد:

یک. آیا می توان کاری کرد؟ (امکان کنشگری)<sup>۱</sup>. نخستین پرسشی که می باید در رابطه آن تأمل و تدقیق کنیم این است که «آیا می توان کاری کرد؟» به این معنی که آیا اساساً نسل سوم انقلاب می تواند تحولات و دگرگونی های جدید را آورد و کاری مؤثر را به انجام برساند، یا فاقد ظرفیت ها و استعدادهای کافی، و مغلوب ساختارها<sup>۲</sup> و شرایط<sup>۳</sup> است. اگر بپذیریم که نمی توان کار کرد. و ساختارها و شرایط آنچنان سخت و متصلب اند که تغییری در آنها راه ندارد، پرسش اصلی این مقاله از موضوعیت ساقط می شود؛ این پرسش که «استراتژی کنشگری نسل سوم انقلاب چگونه باید باشد؟». نگارنده از فرضیه امکان کنشگری تأثیرگذار دفاع می کند و بر صحت و اعتبار آن با می فشارد؛ چرا که معتقد است تجربه های تاریخی پیشین - از سبیل وقوع انقلاب اسلامی و کامیابی در دفاع مقدس - به خوبی نشان داد که با کفایت مؤمن و فداکار و انگیزه مند می توانند جهت حرکت کلی یک جامعه را دستخوش چرخش های بنیادی کنند و تقدیر تاریخی را رقم بزنند. باید به صراحت گفت که همواره در تاریخ، اکثریت، خاکستری و یا حداکثر سیاهی لشکر بوده اند، چرا که نتوانسته اند سطح تفکر خویش را به لایه آرمان خواهی های عالی ارتقا داده و برای دستیابی به آنها، خود

1- . Possibility of activity.

2- . Structures.

3- . Conditions.

را متحمل مشقت سازند. گویا سنت و قاعده اجتماعی چنین است که اکثریت، «تماشاگر» باشد و اقلیت، «بازیگر».

در قرآن کریم نیز، آیات اراده گرایانه متعددی وجود دارد:

«إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»<sup>۱</sup>

در حقیقت خدا، حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان، حال خود را تغییر دهند.

«وَأَصْحَابُ مِرْيَاسٍ قَبِيحَاتٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ»<sup>۲</sup>

و هر [تولید] مصیبتی که شما برسد، به سبب دستاورد خود شماست و [البته خدا] از بسیاری [از گناهان انسان] درمی‌گذرد.

دوم. آیا باید کاری کرد؟ (صورت کنشگری).<sup>۳</sup> پرسش بعدی این است که فرض وجود امکان کنشگری، چه ضرورتی برای کنشگری وجود دارد؟ در این جا، بحث بر سر بی‌سنتی کنشگری است و نه معناداری آن. ما بر مبنای ایدئولوژی اسلامی بر این باوریم که هر فرد مسلمان در جامعه اسلامی، مکلف و موظف به انجام فریضه امر به معروف و نهی از منکر است؛ فریضه‌ای که در قرآن کریم و در آیات متعددی بدان اشاره شده و اهتمام به آن از خصایص مؤمنان در جامعه اسلامی برشمرده شده است:

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»<sup>۴</sup>

و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند؛ که به کارهای پسندیده وا

۱- . . . . .

۲- . . . . .

3- . . . . . Necessity of activity.

۴- . . . . .

می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند.

جامعه اسلامی همواره می‌تواند از صلاح و حق، به سوی فساد و باطل بگراید و به تدریج، تغییر ماهیت دهد. در این حال، فریضه امر به معروف و نهی از منکر به مثابه سازوکاری برای نظارت متقابل است. جامعه اسلامی را از خطر استحاله و انحراف محفوظ می‌دارد و در یک روند مستمر، به بازتولید ارزش‌ها و بازخوانی انتقادی مسیر طی شده، انجامد. ما نیز به منزله نسل سوم انقلاب و کسانی که میراث از نهضت گرانسنگ انقلاب اسلامی هستیم، در زمینه صیانت از انقلاب در هر یک از این نولوژیک<sup>۱</sup> آن، نقش و تکلیفی بزرگ بر عهده داریم. بنابراین، باید در میان نیست که باید کاری کرد. آیت الله مصباح آنچنان معتقد به جوهر و اهمیت «جنگ نرم»<sup>۲</sup> است که آن را هم‌رتبه جنگ سخت می‌داند و حکم به وجوب شرعی مشارکت در آن می‌دهد: «وجوب شرکت در جنگ نرم»، همانند واجب بودن حضور در جنگ نظامی با دشمنان است.<sup>۳</sup>

سوم، چه کاری باید کرد؟ (چگونگی کنشگری).<sup>۴</sup> این پرسش، پرسش اصلی مقاله پیش‌رو است. «چه کاری باید کرد؟» در این مرحله باید درباره چگونگی کنشگری سخن گفت و آن را شفاف و شفاف ساخت. پاسخ گفتن به این پرسش به گونه‌ای که مولد نوعی کنشگری استراتژیک برای کنشگری نسل سوم انقلاب باشد، چندان کار ساده‌ای نیست؛ زیرا مستلزم غور و تعمق فراوان در ابعاد متعدد و بخشی پهن دامنه

1- . Social interaction monitoring.

2- . Ideological identity.

3- . Soft war.

۴- محمد تقی مصباح‌یزدی، «سخنرانی در دیدار با جمعی از دانشجویان سراسر کشور»، هفتاد و نهمین نشست پرسش و پاسخ، ص ۱۳.

5- . Manner of activity.



و فراخ است. در مجموع، به نظر می‌رسد مطالعه‌ای سه سطحی باید انجام بگیرد: شناخت «وضعیت موجود»<sup>۱</sup> که مشتمل بر «خودسنجی» و «جامعه‌سنجی» است و این سنجش هم قوت‌ها و هم ضعف‌ها را دربرمی‌گیرد؛ شناخت «وضعیت مطلوب»<sup>۲</sup> که دلالت بر صورت ایده‌آل و آرمانی «خود» و «جامعه» دارد و مبین غایبات انقلاب اسلامی است؛ شناخت «سازوکار گذار»<sup>۳</sup> که اشاره به چگونگی عبور از وضعیت موجود و وضعیت مطلوب دارد و در واقع، مشتمل بر بیان راهکارها و راه‌حل‌ها است. انتخاب این سه سطح، سطح سوم را باید مطابق با قلمرو موضوعی این مقاله دانست. نه دو سطح دیگر را. به عبارت دیگر، نگارنده در این مقاله در جستجوی آشاف، و تحلیل آن دسته از تکالیف و مسئولیت‌هایی است که نسل سوم انقلاب می‌باید بدانها اهتمام داشته باشند تا فرد و جامعه به واسطهٔ تحقق‌یابی آنها، به وضعیت مطلوب نزدیک‌تر شوند. آنچه که نگارنده به منظور تبیین بوضیحه عرضه می‌دارد، دربردارندهٔ دو سنخ کنشگری است: کنشگری معرفتی و کنشگری اجتماعی. کنشگری معرفتی<sup>۴</sup> عبارت است از آن دسته از کنش‌ها که هویت نظری و تئوریک دارد و نسل سوم را از جهت عمل رفتاری، مجهز و مسلط می‌گرداند. کنشگری اجتماعی<sup>۵</sup> نیز به آن دسته از کنش‌ها اشاره دارد که در مرحلهٔ پس از معرفت‌یابی و تئوری‌پردازی رصوغت می‌یابد و معطوف به عمل‌پردازی در ساحت جامعه است. تقسیم‌بندی دوگانهٔ یاد شده، محصول مطالعهٔ کاستی‌ها و کج‌روی‌ها در دوره‌های قبلی و عبرت‌گیری و درس‌آموزی از آنهاست: پاره‌ای از افراد، تمام توان و

1- . Available situation.

2- . Ideal situation.

3- . Transition mechanism.

4- . Epistemic activity.

5- . Social activity.

استعداد خود را مصروف ساحت نظر و تئوری می‌کنند و در عرصه عینی اجتماعی، تکلیف و رسالتی را متوجه خود نمی‌بینند، و در مقابل، عده‌ای نیز هستند که بدون پشتوانه ایدئولوژیک و مبنای فکری متقن، به عرصه عمل و فعالیت و مبارزه پا می‌نهند. اگرچه سستی و نارسایی هر دو روبرو کرد، روشن و بی‌نیاز از بحث و استدلال است، اما با این حال، این دره کرد در عالم واقع، پیروان و تابعانی داشته و دارد. «انتراعی‌اندیشی»<sup>۱</sup> رگسستگی از حاجات حقیقی جامعه، از آفات رویکرد نخست است، و «عمل‌زدگی»<sup>۲</sup> و «ضعف ایدئولوژیک» از آفات رویکرد دیگر. ما در مقام طراحی استراتژی، گونگی کنشگری نسل سوم انقلاب نباید در دام هیچ‌یک از رویکردهای گذشته گرفتار شد و به گزندها و معایب آنها مبتلا گردیم. برای دستیابی به این مقصود، طرح استراتژیک نگارنده متضمن کنشگری در دو لایه است: «لایه معرفتی» و «لایه اجتماعی». بر این اساس، پرداختن به هر یک از این دو لایه، فارغ از دیگری، پروژه‌ای ناتمام و بی‌فرجام را شل خواهد داد.

مهدی جباری و زمستان سال ۱۳۹۱

1- . Abstract tvhinking.

2- . Pragmatism.